

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۱۴۹ - ۱۷۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۱۹



بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست در حقوق ایران

سید بهرام پناهنده^۱، مسعودرضا رنجبر^{۲*}

چکیده

در راستای حمایت از نسل سوم حقوق بشری یعنی محیط زیست لازم است قوانینی مدون، ساده و بدون تفسیر از طرف قانون‌گذار هر کشوری مورد تصویب قرار گرفته تا با تمسک به این قوانین بتوان از محیط زیست یعنی نسل آینده حقوق بشری حمایت نمود. در حقوق ایران در اصل چهلم قانون اساسی که مبنای کلی قوانین می‌باشد به صراحت به حفظ و مسئولیت نسبت به تخریب محیط زیست اشاره شده است و در همین راستا در قوانین مختلف ضمانت اجرای حقوقی و کیفری پیش‌بینی شده است، بر این اساس مقاله حاضر با هدف بررسی خسارت‌های وارد شده به محیط زیست به استناد مواد ۳۳۷ و ۳۳۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸، قانون مدنی مصوب ۱۳۰۶ و ماده ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۱۱ و با احراز و اثبات عناصر قابل جبران انجام شده است. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی و قوانین مرتبط و مصوب کشور جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و موشکافی و مورد تحلیل و ارزیابی حقوقی قرار گرفته است. از اطلاعات مقاله حاضر می‌توان چنین بدست آورد که قانونگذاران کشور ایران آسیب به محیط زیست را مورد نهي قرار داده و این نهي با تفسیر قانونی که دلالت بر بطلان عمل منافی دارد، دلالت واضح داشته و مجاز بودن خسارت به محیط زیست می‌بایست با اجازه قانونگذار باشد و اصل کلی یعنی نهي حاوی ضمانت‌های مختلف حقوقی منجمله بطلان و جبران خسارت می‌باشد و آنچه از این اصل می‌تواند خروج داشته باشد صرفاً با اجازه و صراحت قانونگذار می‌باشد و لاغیر.

واژگان کلیدی: محیط زیست، مسئولیت مدنی، خسارت، قوانین مدنی.

*دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی فارس.

**استادیار حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی فارس (نویسنده مسئول).

مقدمه

با توجه به اینکه خسارت به محیط زیست و آلودگی زیست محیطی روز به روز در حال گسترش بوده و از باب پیشرفت‌های اقتصادی به ناچار خسارت مضاعفی به محیط زیست این نسل دوم حقوق بشری وارد گردیده است به جا دارد مستندات قانونی در خصوص آسیب و خسارت به محیط زیست در قوانین موضوع گردآوری گردد تا از این باب استناد به این مستندات قانونی مبنای حقوقی و مستند در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از خسارت به محیط زیست را استنتاج نموده و در این مقاله مستندات قانونی در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفته است و تا جایی که امکان داشته باشد به تفسیر و تحلیل این موارد پرداخته شده است. امید است با استناد و گردآوری این مستندات بتوان راه‌های جلوگیری از خسارت به محیط زیست توسط دادگستری و قضات عادل در آتیه تشریح گردد و یا حداقل موجبات پیشگیری از اینگونه صدمات فراهم گردد. بر این اساس مطالعه حاضر با هدف بررسی خسارت‌های وارد شده به محیط زیست به استناد مواد ۳۳۷ و ۳۳۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸، قانون مدنی مصوب ۱۳۰۶ و ماده ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۱۱ و با احراز و اثبات عناصر قابل جبران انجام شده است.

روش کار

در مقاله حاضر شیوه کار، ابتدا به ساکن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی کتب مختلف مرتبط با مطالب حاضر جمع‌آوری گردید. و متعاقب مقالات مرتبط که در مجلات علمی و پژوهشی انتشار یافته بود، با ذکر منبع و ماخذ مورد بررسی و موشکافی قرار گرفته و مورد تحلیل و ارزیابی حقوقی قرار گرفته و علیرغم استفاده از منابع فوق الذکر، مهمترین منبع در خصوص مقاله حاضر قوانین مرتبط و مصوب کشور جمهوری اسلامی ایران بوده که تمامی قوانین مرتبط منجمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه‌های خاص مورد استفاده قرار گرفت و با تفسیر علمی از قوانین مزبور، موضوع حاضر مورد موشکافی و تحلیل و بررسی قرار گرفته است. جبران خسارت در مسائل مربوط به آسیب به محیط زیست منجمله شقوق اصل جبران کامل خسارت می‌باشد که در حقوق اروپایی به صراحت پذیرفته شده و در حقوق

بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست..... ۱۵۱

ایران با استناد به سبب مسئولیت و احراز ارکان مسئولیت منجمله اصل تقصیر، ورود ضرر فعل زیانبار، و رابطه سببیت قابل جبران می‌باشد.

بررسی رفتار سوم: مبانی قانونی

پس از بررسی مبانی تئوریک مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی در فقه و نظام‌های حقوقی معاصر، مبانی قانونی آن در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل را مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

الف - حقوق ایران

به طور کلی در حقوق ایران در مورد مسئولیت مدنی، قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی حاکم است. در مورد مبانی قانونی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی نیز ممکن است گفته شود که قوانین فوق در این مورد هم قابل استناد است. از این رو، این مبانی که نقش مهمی در تعیین مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی ایفا می‌کند و همچنین قوانین عام دیگر مانند قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص مرتبط با مسائل زیست محیطی، در اینجا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. قانون اساسی

قانون اساسی به عنوان منشور و میثاق ملی، مهمترین سند قانونی است که در چهارچوب کلی ساختار حکومت و حدود و وظایف اختیارات قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه و اصول کلی بر روابط دولت و ملت مشخص شده و بر لزوم حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی در اصول متعددی تصریح شده است.

اهمیت مقوله‌ی محیط زیست، نویسندگان قانون اساسی را بر آن داشت تا به این مسئله‌ی مهم حیاتی در قانون اساسی هم به آن پرداخته شود به گونه‌ای که این موضوع در اصل پنجاهم قانون اساسی تبلور یافته و جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی من به عنوان اصلی‌ترین حکم قانونی مربوط به محیط زیست مقرر می‌دارد:

«در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه‌ی عمومی تلقی می‌گردد. از این

رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا می‌کند ممنوع است.» در این اصل وظیفه‌ی عمومی حراست و حفاظت از محیط زیست و حرمت تخریب آن بیان شده است، اما به نظر می‌رسد که حاوی یک ایراد حقوقی باشد؛ زیرا مفهوم مخالف قسمت دوم این اصل این است که اگر فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن با آلودگی محیط زیست یا تخریب قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع نیست. در حالی که این امر ممکن است امکان سوءاستفاده را فراهم سازد.

در اصل چهلم همین قانون که متأثر از قاعده‌ی لاضرر است، منع ایراد ضرر و زیان وارده به در ولو با اعمال حق مورد توجه قرار گرفته و این اصل مقرر می‌دارد: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» که به استناد این اصل، اعمال حق اشخاص حقیقی یا حقوقی در انجام فعالیت‌های شخصی یا اقتصادی کلان خود که منجر به ایراد خسارت شده است با منع قانونگذار و آن هم با درج آن در قانون اساسی مواجه شده است.

در اصول دیگری نیز مانند اصل یکصد و هفتاد و یکم، لزوم جبران خسارت وارده پیش‌بینی شده و از آن جایی که نگاه قانون اساسی در این اصل متوجه قضات است، پس منع ایراد خسارت و لزوم جبران آن نسبت به دیگر شهروندان نیز مورد توجه قرار گرفته و قابل استنباط می‌باشد.

بدین ترتیب، از نظر قانون اساسی که به عنوان مادر سایر قوانین شناخته می‌شود، هر نوع خسارتی باید به نحو مناسب و مقتضی جبران گردد.

به هر حال، از اصل پنجاهم قانون اساسی می‌توان اصول مهم حقوقی از جمله اصول زیر را استنتاج نمود:

۱. اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت: می‌گردد» (علی‌مرادی، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۰۱)

۱. اصل پیشگیری

۲. اصل احتیاط

۳. اصل حفاظت از محیط زیست

اصل پیشگیری و اصل احتیاط از مهمترین اصول حقوقی است؛ زیرا یکی از گرایش‌های مهم و نوین مسئولیت مدنی، آینده‌نگری و در نتیجه پیشگیری از وقوع خسارت است. به نظر می‌رسد که چنین گرایشی اهمیت روزافزونی پیدا کند و مسئولیت مدنی در زمینه‌های مختلف، به جای آن که منتظر وقوع خسارت باشد به سوی جلوگیری از وقوع آن گرایش پیدا نماید (حیاتی، ۱۳۹۳: ۱۸۶-۱۸۵).

نتیجه مهمی که از این اصل گرفته می‌شود این است که، مسئولیت زیست محیطی یک مسئولیت پیشگیری و ناظر به آینده است که باید از وقوع آلودگی یا تخریب محیط زیست جلوگیری شود. علت آن هم این است که خسارات زیست محیطی مربوط به حال نمی‌باشد، بلکه نسل‌های آینده را هم تهدید می‌کند؛ زیرا بسیاری از آلودگی‌های زیست محیطی در مدت طولانی و در آینده آشکار می‌شوند. پس از آنجا که داشتن محیط زیستی سالم حق مشترک بشریت است و نسل‌های بعد نیز حق برخوردارگی از آن را دارند، باید اقدامات پیشگیرانه برای انجام این امر مهم صورت پذیرد. از این رو هر دولتی وظیفه دارد با به کار گرفتن مقررات، سعی نماید که بر مبنای «عمل منصفانه» و در جهت حفظ نظم و منافع عمومی، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن برای محیط زیست زیان‌آور نباشد (ساردویی نسب و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰-۳۸).

مبنایی که در مورد مسئولیت پیشگیری در کشورهای مختلف پذیرفته شده، مسئولیت محض است؛ زیرا گفته می‌شود از طریق اجرای مسئولیت محض، اهداف اصل پیشگیری بیشتر تأمین شده و عامل بازدارندگی مسئولیت محض بیشتر از سایر مبانی است. به همین جهت، در اروپا تقریباً تمام کشورها حداقل در حقوق عمومی، مسئولیت محض را برای خسارات زیست محیطی پذیرفته‌اند.

همچنین اصل حفاظت از محیط زیست یک وظیفه عمومی و ملی تلقی می‌شود که آن یک مسئولیت اجتماعی است و همگان باید در حفاظت از آن مشارکت داشته باشند. لذا مانند یک حق عینی و تکلیف همگانی در برابر آن مسئولیت وجود دارد. پس هرکس آن را نقض کند و محیط زیست را آلوده یا تخریب سازد مسئول است.

علاوه بر این، می‌توان از اصل پنجاهم قانون اساسی، مسئولیت بدون تقصیر را در خصوص خسارات زیست محیطی استنباط نمود؛ زیرا به نظر می‌رسد در تمام مواردی که قانونگذار از لفظ "ممنوع است" یا الفاظی شبیه آن استفاده می‌کند، باید آن را مسئولیت بدون تقصیر یا محض تلقی کنیم؛ چرا که وقتی قانونگذار امری را نهی

می‌کند، انجام آن نیاز به دلیل دارد، از این رو دیگر نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان نیست، بلکه اثبات وجود زیان و رابطه‌ی سببیت کافی است.

به دیگر سخن، وقتی قانونگذار انجام عملی را به دلایلی ممنوع اعلام می‌کند، هرگاه شخصی برخلاف آن عمل کند، صرف انجام عمل، تقصیر محسوب می‌شود و دیگر نیاز به اثبات آن نیست.

سؤال قابل طرح در این جا این است که اگر فعالیت اقتصادی شخصی به محیط زیست لطمه و خسارت وارد نماید، چه کسی باید قانوناً شخص خاطی را منع نموده و مطالبه جبران خسارت نماید؟

پاسخ سؤال مزبور را در بحث از آئین دادرسی زیست محیطی دنبال خواهیم کرد، ولی در هر جامعه‌ای یک سازمان خاص متولی حفظ محیط زیست وجود دارد. در ایران هم مطابق ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و ماده ۲۲ قانون جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳، سازمان حفاظت محیط زیست مسئول و ذیحق دانسته شده است. از این رو، سازمان مزبور باید دادخواست ضرر و زیان علیه عامل یا عاملین ورود ضرر را مطرح و حقوق تضییع شده‌ی عموم را استیفاء نماید..

۲. قانون مدنی

در قانون مدنی نامی از ضمان و مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی به میان نیامده است. چه اینکه در این قانون، بیشتر از آن که به مصادیق توجه شود، به اصول حاکم بر مالکیت در روابط شخصی بین اشخاص در حقوق خصوصی توجه شده است. با وجود این، در همین قانون به موجب مواد بسیاری، بر منع ایراد خسارت و لزوم جبران آن و نحوه‌ی جبران خسارت در مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی توجه شده است که به عنوان یک قاعده عمده و مبنایی می‌تواند از مهمترین مستمسک‌های قانونی جهت امکان مطالبه‌ی ضرر و زیان ناشی از تخریب و آلودگی محیط زیست قرار گیرد.

بنابراین، الزامات ناشی از قرارداد و ضرر و زبانی که ممکن است در حین قرارداد منجر به ایراد خسارت زیست محیطی شود و ضمان قهری که از ابواب اتلاف و تسبیب ناشی می‌شود، می‌توانند مبنای ارزشمندی جهت مطالبه این نوع خسارات تلقی گردند.

بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست.....۱۵۵

همچنین امکان استناد به وحدت ملاک و تنقیح مناط از مواد قانونی همانند ماده ۱۳۲ قانون مدنی، کمک شایانی جهت امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از این خسارات می تواند باشد.

اینک به برخی از مواد قانونی مرتبط با بحث مزبور اشاره می شود:

۱-۲. ماده ۳۰۷ قانون مدنی

در ماده ۳۰۷ ق.م در ذیل عنوان ضمان قهری، چهار عامل: غصب، اتلاف، تسبیب و استیفاء ذکر شده است که بحث اتلاف و تسبیب در مبانی فقهی مطرح گردید و اما در خصوص استیفاء و غصب، برخی از نویسندگان حقوقی بر این نظرند که استیفاء را نمی توان از اسباب مسئولیت مدنی به شمار آورد؛ زیرا مبنای دین در این مورد، ورود ضرر به دیگری نیست و غصب نیز با آن که مسائل مشترکی با مسئولیت مدنی دارد، نظریه مستقلی است که از استیلاء نامشروع بر مال دیگری ناشی می شود (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۱۳۲).

اما باید گفت که در قانونی مدنی، استیفاء از اسباب و منابع ضمان قهری شمرده شده است و مبنای واقعی آن، اجرای عدالت و احترام به عرف و نیازهای عمومی است (همان، ۵۰۷) و ضمان قهری هم عبارت از مسئولیت به انجام امری و یا جبران زیانی که کسی در اثر عمل خود به دیگری وارد آورده است (امامی، ۱۳۶۱: ۳۶۱). از این رو در مقام شرح و تفسیر مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی، باید به مفهومی از استیفاء توجه داشت که بتواند در این قلمرو قرار بگیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۵۰۷).

معنای متداول استیفاء، بهره مند شدن و انتفاع از مال یا عمل دیگری است؛ جایی است که شخص به هزینه یا کار دیگری بر دارایی خود می افزاید، خواه به صورت تملک باشد یا استفاده از منافع (همان، ۴۹۵).

بنابراین، در هر جا که شخصی از مال یا کار دیگری استفاده می کند و قراردادی باعث ایجاد دین برای استفاده کننده نمی شود و کار او نیز زیر عنوان غصب و اتلاف و تسبیب قرار نمی گیرد، قانونگذار استفاده کننده را ملزم به پرداخت اجرت المثل می کند (همان، ۵۰۷). استیفاء هم یا مشروع است و یا نامشروع. استیفاء مشروع در جایی است که شخص بر مبنای یکی از اسباب قانونی، از مال یا کار دیگری منتفع می شود یا حقی را تملک می کند، ولی آن سبب در قالب عقد و ایقاع متداول و مرسوم نمی گنجد، هر چند که سبب ایجاد تعهد برای استیفاء کننده می شود (همان، ۴۹۶).

استیفاء نامشروع هم آن است که شخص بدون وجود سبب مشروع، از مال دیگری منتفع شده و یا به زبان او، از آن استفاده ببرد.

ظاهر مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی بیشتر به استیفاء مشروع نظر دارد و مواردی را شامل می‌شود که استیفاء به قهر انجام نگیرد، ولی از مبنای آن می‌توان در تمام موارد استیفاء استفاده نمود و آن را به ایجاد الزام در استیفاء نامشروع هم سرایت داد (همان، ۵۰۳).

در زمینه مسائل زیست محیطی نیز می‌توان بر این نظر بود که استیفاء از موجبات ضمان و مسئولیت مدنی است. برای مثال، وقتی کارخانه‌ای با مجوز قانونی تأسیس می‌شود، از حق عمومی^۱ که نسبت به محیط سالم وجود دارد منتفع می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۴۳، کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱).

از این رو باید مقررات زیست محیطی^۲ را رعایت نموده تا از این راه خسارت وارد نشود و در صورت ورود خسارت، باید آن را جبران نماید (فیروزی، ۱۳۸۵: ۱۰). از سوی دیگر، هرگاه کارخانه مزبور بدون مجوز قانونی تأسیس شود و یا اینکه بدون رعایت قوانین و مقررات زیست محیطی، اقدام به نصب دستگاه‌هایی نماید که آلاینده‌گی به دنبال دارد و موجب خسارت به افرادی که در کارخانه مشغول به کار هستند یا اشخاصی که در محدوده کارخانه قرار گرفته‌اند و یا حتی خسارت به عموم باشد، نوعی استیفاء نامشروع صورت گرفته است که باید خسارات وارده به گونه‌ای جبران گردد.

^۱ حق عمومی مربوط به شخصیت انسان و سلامت جسمی یا روحی او، یا ناظر به رابطه دولت و مردم است، مانند حق حیات و آزادی و بیان. عنوان فصل سوم قانون اساسی درباره حقوق ملت ناظر به همین گروه است؛ هرچند که حقوق عمومی بیشتر در برابر قدرت دولتها مورد استناد قرار می‌گیرد، در روابط خصوصی نیز قابل اجرا است. هرکس باید به حیات و آزادی و شرافت و شخصیت دیگران احترام گذارد.

^۲ حق بر محیط زیست به مثابه‌ی پیش‌نیازی برای دیگر حقوق بشر است؛ چرا که برای بهره‌مند شدن انسان‌ها از این حقوق، فرض بر این است که آنان از حداقل سلامتی و تندرستی برخوردار باشند. بدین ترتیب، حق برخورداری از محیط زیست سالم را می‌توان در بنیادی‌ترین حق شناخته شده در اسناد حقوق بشر، یعنی حق حیات یافت

همچنین هرگاه این کارخانه که از زمین مجاور خود جهت تردد استفاده می‌نماید، زائدات خود را در آنجا دفن کند و یا این که در اثر دفن پسماندهای خود، به زمین مجاور خسارت وارد سازد و موجبات آلودگی آن را فراهم آورد، به گونه‌ای که از جهت قوانین و مقررات زیست محیطی، زمین مزبور دیگر به هیچ وجه قابل استفاده نباشد، در این موارد هم استیفای نامشروع صورت گرفته است. بنابراین، هر چند که در مواد ۲۳۶ و ۳۳۷ قانونی مدنی به مفهوم محدود استیفا اشاره شده و حکم قانون ناظر به مواردی است که بهره‌برداری از مال یا کار دیگری با اقدام خود او انجام می‌شود، ولی گاهی این اقدام با تراضی انجام نمی‌پذیرد و استفاده را ناروا می‌سازد. در این امر نیز تفاوتی نیست که استفاده ناروا به امر با اراده استفاده کننده انجام شود یا در نتیجه اقدام شخص ثالث یا حادثه خارجی. آنچه که در اینجا مهم است، این است که خسارت زیان‌دیده جبران شود.

همچنین در اینجا فرقی نیست که اعمال ارتکاب شده مشروع بوده و یا اینکه به ناحق خطایی صورت گرفته باشد.

حاصل این که، از مواد قانونی مرحله و پیشینه‌ی آن در حقوق اسلام، این نتیجه به دست می‌آید که، استفاده از مال دیگری به ناحق ممنوع است و بایستی وضع کسی را که از مال او استیفای نامشروع صورت گرفته است، جبران نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۵۵۰). از این رو می‌توان گفت که استینا خود موجب ضمان و مسئولیت مدنی است و در اینجا نیاز به اثبات تقصیر استیفا کننده هم نیست؛ زیرا که انتساب برای مسئول واقع ساختن شخص کافی است، پس شرط اساسی ایجاد مسئولیت، ورود خسارت در اثر فعل دیگری است به نحوی که در دید من قابل انتساب به او باشد. چرا که هدف در نظام حقوقی ایران همانند حقوق اسلام، جبران خسارت زیان‌دیده بدون توجه به نظریه‌های مطروحه در این زمینه می‌باشد و برای رسیدن به این هدف، این رابطه سببیت بین خسارت و فعل زیان بار عامل کافی است و دیگر نیاز به توجیهاتی همچون تقصیر خطر و ... وجود ندارد، هر چند که در احراز این رابطه، نظریه‌های مزبور می‌تواند مورد استفاده قرار گرفته و اثبات این رابطه را آسان نماید. ولی با تصویب قوانینی همچون قانون مسئولیت مدنی و بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری، دو نظریه تقصیر و خطر از حقوق خارجی اقتباس گردیده است.

بنابراین، اگر در اینجا بخواهیم این مسئولیت را با مبانی تئوریک مسئولیت منطبق سازیم، باید بر آن بود که آن با مبنای خطر سازگارتر و هماهنگ است و از آن می‌توان به عنوان مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در حقوق ایران استفاده نمود. یکی دیگر از عواملی که تحت عنوان ضمان قهری در ماده ۳۰۷ ق.م.آ.م آمده است، عامل غصب است که حرمت تکلیفی آن از ضروریات فقه به شمار می‌رود و حکم وضعی آن نیز ضمان تعهدی است که هیچ تردیدی در آن نیست (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۱۷۶).

اما در خصوص غصب و آنچه که در حکم آن است، گفته می‌شود که آن در ایجاد ضمان قهری، قلمرو بسیار گسترده‌ای دارد و بسیاری از مسائل مربوط به مسئولیت مدنی و استیغای نامشروع را در بر می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۳۷۴).

درباره مفهوم غصب در مبانی فقهی تحت عنوان ضمان ید توضیحاتی داده شد. در قانون مدنی هم در ماده ۳۰۸ به غصب و موارد در حکم آن اشاره شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «غصب استیلاء بر حق غیر است به نحو عدوان. اثبات ید بر مال غیر، بدون مجوز هم در حکم غصب است.»

شهید ثانی که این تعریف را ارائه می‌دهد^۱ و قانونی مدنی هم آن را از شرح لمعه اقتباس می‌کند، در اشکال به تعریف شهید اول که غصب را استیلاء بر مال غیر تعریف نموده است، می‌گوید: «اثبات ید بر حق غیر مانند حق تحجیر و حق مسجد و مدرسه و امثال اینها که مال محسوب نمی‌شوند، ولی غصب در این موارد نیز متحقق است» (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۶)

بنابراین در غصب، غاصب ضمانی گسترده‌تر از کسی دارد که به صورت اتلاف یا تسبیب مسئولیت پیدا می‌کند؛ زیرا در موارد اتلاف و تسبیب، وجود رابطه سببیت ضروری است، اما در غصب اثبات چنین راهکارهایی ضرورت ندارد. در تسبیب، تقصیر لازم است اما در تحقق مسئولیت غاصب نیازی به تقصیر نمی‌باشد. در اتلاف، به وجود فعل زیان بار از ناحیه‌ی متلف نیاز می‌باشد، در حالی که در غصب در خصوص تلف مال مغضوب نیازی به فعل زیان بار غاصب نیست و حتی اگر تلف مال منصوب بر اثر عوامل طبیعی خارج از توان غاصب مانند زلزله نیز باشد، غاصب ضامن است.

^۱ و قد تلخص: أن الأجود فی تعریفه انه الاستیلاء علی حق الغیر عدوات». شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة. الدمشقیه، ج ۷،

به همین جهت ماده ۳۱۱ ق.م. اصل مسئولیت غاصب را مطرح مینماید و ماده ۳۱۵ این قانون، گستردگی این ضمان را نسبت به موارد اتلاف و تسبیب بیان می کند. در خصوص خسارات زیست محیطی هم در مواردی غصب تحقق پیدا می کند. چرا که، شخصی که در عناصر زیست محیطی و در واقع در اموال عمومی تصرف می کند و حق منتفعان یعنی جامعه را مورد تجاوز قرار می دهد، مرتکب عمل غصب شده است؛ زیرا منظور از استیلاء و تصرف غاصب، سلسله‌ی عرفی بر مورد غصب است نه تصرف مادی. پس ضمان ید در مورد حقوق نیز که وجود خارجی ندارد، تحقق می یابد^۱ و نباید آن را به اعیان خارجی اختصاص داد (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۳۷۸).

برخی از فقیهان در پاسخ به این سؤال که «اگر کتاب یا نوشتجات کسی را غصب کنند و مدتی نزد خود نگه دارند تا ارزش خود را از دست بدهد و یا مطالبی را از نوشتجات او منتشر کنند که موجب خسارت مالی به مؤلف شود، آیا ضمان هر گونه خسارت به عهده‌ی غاصب است؟» چنین بیان کرده اند که: «عین و اجرت المثل مدت تصرف را ضامن است و اگر عین را مسترد کرده باشد، فقط اجرت المثل مدت تصرف را ضامن است و تنزل قیمت سوقیه را ضامن نیست.» (منتظری، ۱۶۴-۱۶۳)

بنابراین، کسی که درخت‌های جنگلی را بریده و از چوب آن استفاده می برد و جنگل را مورد تخریب قرار می دهد، در واقع تجاوز به اموال عمومی نموده و غاصب محسوب می شود. همچنین وقتی پارکی به جهت منافع عده‌ای خاص، مورد تخریب قرار می گیرد و حق عمومی نسبت به محیط زیست سالم و استفاده از منابع و مناظر طبیعی مورد تعدی و تجاوز قرار می گیرد، این هم از موارد غصب محسوب شود.

۱۲ - ۲ ماده ۱۳۲ قانون مدنی ماده

ماده ۱۳۲ ق.م. مقرر می دارد: «کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.»

طبق ماده ۳۰ قانون مدنی، هر مالکی می تواند همه گونه تصرف و انتفاع در ملک خود داشته باشد، از این رو اصولاً صاحب حق در اجرا و اعمال حق خویش آزاد است.

۱. محمد بن مسلم از امام صادق ع نقل می کند که حضرت فرمود: «لا یصلح ذهاب حق احد؛ هیچ حق هدر نمی رود و باید به نحوی جبران گردد. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۴،

ولی طبق ماده ۱۳۲ ق.م.هیچ کس نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که موجب ضرر همسایه شود، مگر به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد. بنابراین هرگاه تصرف مالکانه موجب زیان دیگران شود با دو شرط متعارف بودن و نیاز مالک مجاز است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۹۱). بنابراین، نبودن شرط دوم، قصد اضرار مالک به همسایه را می‌رساند و فقدان شرط نخست بدین معنی است که اقدام مالک با رفتار انسانی متعارف سازگار نیست. پس می‌توان نتیجه گرفت که در حقوق ما (یا دست کم در روابط همسایگان)، تقصیر عمدی و خطا (تجاوز از حدود متعارف) هر دو باعث ایجاد مسئولیت می‌شود و مفهوم تقصیر در این رابطه تابع قواعد عمومی است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۹۱).

همچنین در این ماده، منع قانونگذار مطلق بوده و هر نوع تصرفی که موجب زیان گردد را شامل می‌شود. بنابراین تصرفات غیرمتعارف مانند نگهداری حیوانات و دام در محیط مسکونی، رها ساختن آب زیاد در باغچه و خسارت وارد شدن به دیوار همسایه، ایجاد سرو صداهای ناهنجار، دایر کردن مرکز فساد و هر نوع رفتاری که موجب آزار و اذیت همسایه شود، ممنوع است و در صورتی که این گونه اعمال، موجب خسارت مادی و معنوی همسایه شود و آرامش روحی و روانی او را از بین ببرد، علاوه بر آن که در برخی از موارد، مجازات مرتکب را در پی دارد، موجب مسئولیت مدنی نیز می‌گردد. ماده ۱۳۲، یکی از مصادیق قاعده لاضرر و اصل چهلم قانون اساسی^۱ است که اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی را ولو در مقام اجرای حق منع نموده است. پس اجرای حق به طور مطلق نمی‌تواند مجوزی برای اضرار دیگران باشد و زیان بار بودن فعل را توجیه نماید، بلکه سوء استفاده از حق، تقصیر محسوب می‌شود و ایجاد مسئولیت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۰۱ و ۱۸۳، سنپوری، ۸۲۳، بهرامی، ۱۳۶۶: ۱۲۲).

مسئولیت ناشی از مزاحمت برای همسایه در بیشتر کشورها پذیرفته شده است (ژوردن، ۳۵۱) به گونه‌ای که به زیان دیدگان از مزاحمت همسایه امکان می‌دهد تا گاهی بر مبنای مقررات صریح قانون و گاهی هم بر مبنای یک رویه قضایی تثبیت شده، جبران زیان‌هایشان را مطالبه می‌کنند. در فرانسه، دیوان عالی کشور، اصل مسئولیت ناشی از مزاحمت همسایه را پذیرفت. مبنای اولیه پذیرش این اصل، در یکی

۱. اصل ۳۰ قانون اساسی: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»

بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست..... ۱۶۱

از آرای قضایی دیوان عالی کشور فرانسه بود که در ۲۷ نوامبر ۱۸۴۴ در مورد آلودگی صوتی کارخانه‌ای صادر شده بود که بر اثر سرو صدای مستمر و بیش از حد، موجبات ضرر و مزاحمت همسایه را فراهم آورده بود.

نگرش حاکم بر رویه قضایی این است که ضررهای ناشی از همسایه تا حدی قابل تحمل هستند؛ زیرا از زندگی اجتماعی تفکیک ناپذیرند و زندگی در اجتماع، مستلزم تحمل برخی رفتارهای ناخوشایند ولی متعارف است. هرگاه این اضرارها از حد خاصی فراتر رفت، حتی اگر عامل مزاحمت مرتکب هیچ تقصیری نشده باشد، موجب مسئولیت می‌شوند و باید جبران خسارت را پذیرفت؛ زیرا این اختلال، غیر قابل تحمل می‌شود و براساس روابط همسایگی قابل توجیه نیست (ژوردن، ۳۵۳).

دیوان عالی فرانسه در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۵ نیز در دعوی مالکان یک ملک که از همسایه خود که یک شرکت شیردوش داشت و به علت آسیب‌های ناشی از همسایه و آلوده کردن محیط شکایت کرده بودند، حکم به غرامت و تعطیلی شرکت داد (ژوردن، ۳۵۱). رأی دیگری را دادگاه پژوهش اکس آن پروانس^۱ در ۸ ژوئن ۲۰۰۴ صادر کرد که براساس آن مسئولان یک بخش به نام تعدادی از مردم، تغییر مکان یک آنتن تلفن همراه را که در نزدیکی یک مدرسه ابتدایی نصب شده بود خواستار شدند. در دادخواست، هم به وجود مزاحمت همسایه ناشی از تشعشع روزانه به گروه آموزشی آموزگاران، دانش آموزان و کارکنان مدرسه اشاره شده بود و هم با توجه به این که از لحاظ علمی معلوم نیست که این تشعشع چه آثاری بر سلامتی اشخاص دارد، به اصل احتیاط^۲ استناد شده بود (ژوردن، ۱۳۸۵: ۴۷۹) و دادگاه متصدی آنتن را مسئول مزاحمت بیش از حد همسایگی دانست و او را به تغییر مکان آنتن محکوم کرد (همان، ۳۶۱).

^۱ Aix_en_Provence

^۲ اصل احتیاط برآمده از حقوق محیط زیست است که براساس آن: «عدم اطمینان ناشی از وضعیت دانش و فنون روز، نباید اتخاذ تدابیر مؤثر و متناسب را برای پیشگیری از یک خطر زیان سنگین و جبران ناپذیر برای محیط زیست با قضایی و اعتبار آن هنوز محل بحث است هزینه اقتصادی قابل قبول، به تأخیر اندازد». این اصل، به حد یک قاعده‌ی حقوقی الزام رسیده است ولی ماهیت قضایی و اعتبار آن هنوز محل بحث است. در یک برداشت موسع‌تر، به عنوان یک اصل راهبردی تصمیمات دولت در زمینه‌ی بهداشت انسان، حیوان با گیاهان محسوب می‌شود که براساس آن، عدم اطمینان علمی درباره واقعیت یک خاره نباید مانع از اتخاذ تدابیر پیشگیرانه معقول برای پیشگیری از تحقق آن خطر شود مانند ممنوعیت ورود برخی فرآورده‌های مشکوک به خطرناکی، نظیر ترکیبایی که تغییر ژنتیکی پیدا کرده‌اند.

۳. قانون مسئولیت مدنی

یکی از مهمترین منابع قانونی راجع به مسئولیت مدنی، قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ است که گفته می‌شود در تنظیم مواد آن، توجهی به قواعد فقهی نشده است (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۷۶). با این وجود، طبق اصل چهارم قانون اساسی در تفسیر و جمع مواد قانونی باید راهی را پیمود که با موازین فقهی منافات نداشته باشد. به موجب ماده یک این قانون، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است؛ زیرا این قانون در مقام بیان قاعده کلی مقرر می‌دارد که، اقدام بدون مجوز قانونی که از روی عمد یا بی احتیاطی موجب خسارت مالی یا معنوی گردد، مسئولیت عامل را در پی دارد. پس ورود ضرر به دیگری باید در نتیجه عمد یا بی احتیاطی صورت گیرد.

با تصویب این قانون، موضوع مورد بحث این است که آیا تقصیر مبنای منحصر مسئولیت مدنی است و قوانین مخالف با آن همچون قواعد اتلاف غیرعمدی که در قانون مدنی آمده نسخ ضمنی شده است و یا این که ماده‌ای اول تنها اصل را بیان نموده و مسئولیت‌های نوعی دیگر نیز به عنوان استثنای بر اصل پذیرفته شده‌اند؟ (همان، ۱۳۸) برخی از حقوقدانان بر این باورند که با تصویب این قانون، قواعد اتلاف غیرعمدی به ویژه ماده ۳۲۸ قانون مدنی که مسئولیت عینی را بیان می‌کند، نسخ ضمنی شده است؛ زیرا برای تحقق مسئولیت، علاوه بر برقراری رابطه‌ی علیت عرفی بین کار شخص و تلف مال؛ یعنی انتساب عمل به فاعل، تقصیر نیز شرط ایجاد مسئولیت است، پس با قاعده اتلاف غیرعمدی تعارض دارد. همچنین به این دلیل که قانون مسئولیت مدنی جدیدتر است، قواعد قبلی در این خصوص را که با آن منافات دارد نسخ می‌کنند (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۸۹).

عده‌ای هم بر این نظرند که قائل به نظریه‌ی نسخ شدن مقررات مربوط به اتلاف، نظام حقوقی ما را در بسیاری از زمینه‌ها در هم خواهد ریخت (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۳۸)؛ زیرا علاوه بر مقررات اتلاف، مقررات دیگری مثل غصب و استیفا هم وجود دارد که مسئولیت بدون تقصیر را می‌پذیرد.

علاوه بر این، با تصویب قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتورزی زمینی در برابر اشخاص ثالث مصوب ۱۳۴۷ و اقتضای مصالح اجتماعی و اجرای عدالت و توجه به مفهوم اجتماعی تقصیر و رعایت این اصل که در مقام تعارض بین قانون خاص قدیم و عام جدید، عام ناسخ خاص نمی‌گردد (امامی، ۱۳۵۱: ۱۳)،

بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست.....۱۶۳

امکان تعارض بین ماده یک قانون مسئولیت مدنی و قاعده اتلاف از بین می- رود (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

هر چند که اصولاً بین عام و خاص متوافق تعارض وجود ندارد تا بحث تخصیص یا نسخ مطرح شود.

بنابراین، هر چند که در حقوق ایران ممکن است مسئولیت مبتنی بر تقصیر به عنوان اصل اولیه پذیرفته شود ولی قبول این اصل مغایر با پذیرش مسئولیت بدون تقصیر به عنوان مبنایی برای مسئولیت نیست. پس می‌توان گفت که تقصیر، مبنای منحصر مسئولیت نیست و گاه مسئولیت بدون تقصیر نیز به وجود می‌آید.

اما آنچه که در زمینه محیط زیست و جبران خسارات زیست‌محیطی دارای اهمیت است، این است که آیا قانون مسئولیت مدنی برای جبران خسارات زیست‌محیطی کاربرد دارد و یا این که باید در قوانین دیگر، این نوع جبران‌ها مورد جستجو قرار گیرد؟

برخی از نویسندگان حقوقی (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۸۱) بر این نظرند که قانون مسئولیت مدنی مربوط به اموال و حقوق خصوصی افراد است و در واقع، تنها اشخاص، اموال و حقوق خصوصی افراد مورد حمایت مقررات قانون مسئولیت مدنی می‌باشند و حقوق و اموال عمومی از حمایت قانون مذکور بی‌بهره‌اند؛ زیرا در قانون مسئولیت مدنی از عباراتی مانند، ضرر و زیان مادی یا معنوی و افراد استفاده شده‌است، در حالی که منابع و عناصر زیست‌محیطی که از اموال عمومی محسوب می‌شود، مال یا حق دیگری قرار نمی‌گیرد، بلکه یک حق عمومی است و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، حقوق عمومی را حمایت نمی‌کند.

همچنین هدف در قانون مسئولیت مدنی، جبران خسارات اموال خصوصی است تا وضعیت زیان دیده به حالت سابق برگردانده شود، درحالی‌که در مسئله‌ی محیط زیست، هدف اولیه، جبران خسارت وارده نیست، بلکه اصلاح، بازسازی و ترمیم محیط زیست آلوده شده در درجه‌ی اول از اهمیت است.

البته این دیدگاه قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ زیرا اولاً منظور از "دیگری" در ماده یک این قانون حتماً لازم نیست که شخص حقوق خصوصی باشد و ثانیاً با توجه به مواد دیگر این قانون، نمی‌توان بر آن بود که حقوق و اموال عمومی از حمایت این قانون بی‌بهره‌اند.

۱۶۴. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

با این وجود، در قانون مسئولیت مدنی ما با خساراتی سروکار داریم که واقع شده است، اما در مسئولیت زیست محیطی با خسارات و آلودگی‌هایی که هنوز واقع نشده است ولی در آینده واقع می‌شود و یا خطر وقوع آن پیش‌بینی می‌شود هم سروکار داریم.

بدین ترتیب، با توجه به مبنای قانون مسئولیت مدنی که مبتنی بر تقصیر است، زمانی مطالبه‌ای خسارت ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست با استناد به این قانون قابل وصول است که متضرر از این امر، پس از اثبات ایراد خسارت بر خود، تقصیر واردکننده و رابطه سببیت بین فاعل زیان و ایراد خسارت را به اثبات برساند. پس شاید خسارات زیست محیطی در خصوص اموال و اشخاص خصوصی و به اصطلاح خسارات سنتی را بتوان تابع این قانون دانست که در آینده خواهیم گفت که در این مورد هم نمی‌توان به مبنای تقصیر استناد نمود. ولی در موارد دیگر این قانون کارآمد نیست و نمی‌توان در رابطه با مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی به این قانون استناد کرد؛ چرا که اثبات تقصیر در حوزه مسئولیت مدنی زیست محیطی مشکل و گاهی غیر ممکن است.

همچنین گفته شده است که ماده یک قانون مسئولیت مدنی با مختصر تصرفی، ترجمه بند اول ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان است (همان، ۱۷۸). و در حقوق آلمان نیز مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. اما راجع به قابلیت استناد ماده ۸۲۳ قانون مدنی در مورد خسارت‌های خالص زیست محیطی، حقوق‌دانان و رویه قضایی این کشور عقیده دارند که این ماده در مورد این نوع خسارات قابل استناد نبوده و نمی‌توان براساس این ماده، خسارت‌های زیست محیطی را مطالبه نمود؛ بلکه در اینگونه موارد، قانون مسئولیت زیست محیطی ۱۹۹۱ حاکمیت دارد.

بنابراین، باید بر این نظر بود که خسارات زیست محیطی تابع قانون مسئولیت مدنی نیست و برای یافتن مبنای مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی باید به قوانین دیگر، خصوصاً قوانین راجع به حفاظت از محیط زیست مراجعه نمود.

۴. قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات به اقتضای نوع خاص خود بیشتر به تشریح و توصیف ارکان قانونی جرایم پرداخته و از آن انتظار نمی‌رود در مقام بیان مسائل حقوقی و یا حتی تعیین تکلیف خسارات ناشی از جرایم برآید. با وجود این، در بعضی از مواد این قانون به این

بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست.....۱۶۵

امر پرداخته شده که نوعاً یا تأکیدی بر این امر بوده و این قانون مقرر می‌دارد: یا این که با عدول از شأن قانونگذار جزایی، وارد مقوله‌ی آئین دادرسی مدنی شده است. ماده ۸۵ این قانون مقرر می‌دارد:

«هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله‌ی دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی، چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده‌ی حیثیت او اقدام شود.»

این ماده تبلوری از اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی است.

مهمترین مواد قانونی قانون مجازات اسلامی که در باب خسارات وارده به محیط زیست به نحو اعم مورد نظر قانونگذار بوده است، دو ماده ۶۸۸ و ۶۸۹ این قانون است. ماده ۶۸۸ اشعار می‌دارد:

«هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص، مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یکسال محکوم خواهند شد.

تبصره ۱: تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور، حسب مورد بر عهده‌ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تبصره ۲: منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان با آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.»

ماده ۶۸۹ هم مقرر می‌دارد: «در تمام موارد مذکور در این فصل، هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به

۱۶۶. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

انسانی شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه‌ی خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.»

هر چند اختصاص تنها دو ماده آن هم به نحو کلی به مبحث مهم و تعیین کننده‌ی بهداشت عمومی و تخریب محیط زیست بسیار ناچیز و حکایت از کم‌توجهی به این امر مهم بوده است، اما خود این دو ماده نیز دارای ایرادات و اشکالاتی می‌باشد، از جمله اینکه به خسارات مادی وارده به خود محیط زیست اشاره ننموده و سازمان شاکی را هم مشخص نکرده است.

۵. قوانین و آئین نامه‌های خاص مرتبط با محیط زیست.

در حقوق ایران، علاوه بر قوانین عام، قوانین خاص مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست نیز وجود دارد که به بعضی از این قوانین و مقررات در ذیل اشاره می‌شود:

۱-۵. تبصره یک ماده ۲۹ قانون نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ مقرر می‌دارد:

«صاحبان و مسئولان این گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالح می‌باشند.»

۲-۵. ماده ۱۹ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۷۳ نیز بیان می‌دارد:

«در تمام جرایم ارتكابی مزبور، مرجع قضایی مرتکبین را علاوه بر پرداخت جریمه به نفع صندوق دولت، به پرداخت خسارت به اشخاص و یا جبران خسارت وارده بنا به درخواست دستگاه مسئول محکوم خواهد نمود.»

مطالعه متن این نوع مواد، قانون بیمه اجباری اشخاص را به یاد می‌آورد که قانونگذار با همان لحن و آهنگ، مسئولیت بدون تقصیر را پیش‌بینی کرده است و بدون این که نیاز به اثبات تقصیر یا بی‌مبالاتی خواننده باشد، مسئولیت محقق می‌شود که جز در صورت اثبات فورس ماژور یا قوه قاهره که تنها دفاع پذیرفته شده در مسئولیت محض است، مسئولیت تحقق پیدا می‌کند.

علاوه بر این، قوانینی وجود دارد که قانونگذار از واژه‌هایی نظیر "ممنوع است استفاده کرده است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست.....۱۶۷

۳-۵. ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ (اصلاحی ۱۳۷۱) مقرر می‌دارد:

اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم آورد ممنوع است.»
ماده ۱۱ این قانون هم می‌گوید: سازمان به کارخانجات و کارگاه هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نمایند اخطار می‌نماید و در صورتی که در مهلت مقرر اقدام ننمایند از کار و فعالیت آنها ممانعت به عمل خواهد آمد.

۴-۵. ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ مقرر می‌دارد:
«اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع است.....»

۵-۵. ماده ۱۳ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۷۳ مقرر می‌دارد: «مخلوط کردن پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها و تخلیه و پخش آنها در محیط و یا فروش، استفاده و بازیافت این نوع پسماندها ممنوع است.»

۶-۵. ماده ۳ آئین‌نامه بهداشت مصوب ۱۳۷۱ بیان می‌کند: «هر اقدامی که تهدیدی برای بهداشت عمومی شناخته شود ممنوع است.»

علاوه بر این‌ها، قوانین و مقررات دیگری نیز وجود دارد که به مسئولیت مدنی آلوده‌کنندگان اشاره دارد مانند قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴؛ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱؛ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲.

بحث و نتیجه گیری

در مبحث به این مهمی که در خصوص جبران خسارات مربوط به صدمات به محیط زیست می‌باشد، علیرغم اینکه قوانین مختلف و آیین‌نامه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در نتیجه ارزیابی جبران خسارت با استناد به مواد قانونی مختلف اثبات گردیده، لذا با توجه به اینکه در تصویب قوانین می‌بایست از اصولی همانند صراحت، روشن بودن و موخر بودن بهره کامل گرفته شود، فلذا در قوانین ذکر شده، اصول قانون‌نویسی منجمله صراحت و روشن بودن درج نشده و به همین دلیل است که اصولی همانند قانون اساسی (چهلّم) مورد تفسیر قرار گرفته و با استفاده از تفسیر لفظی نتایجی حاصل گردید، و حتی در قانون مدنی در مواد مختلف ۳۳۷ و ۳۳۶، به نوعی اصلی کلی مطرح گردیده و به طور خاص به مسئله پرداخته نشده است و همین ابهام و تفسیر قوانین منجر به اتخاذ رویه متفاوت در آینده و رویه قضایی خواهد بود و آنچه مبرهن و واضح است، این است که قوانین کشور جمهوری اسلامی ایران در خصوص حمایت کامل و همه جانبه از خسارت‌های مربوط به محیط زیست شفافیت لازم وجود ندارد و می‌بایست در آینده قانون خاص مورد تصویب یا اصلاح قوانین صورت گیرد. حاصل آنکه، همان‌گونه که ذکر شد در قوانین و مقرراتی که قانونگذار انجام عملی را نهی کرده باشد، مجاز بودن آن عمل نیاز به دلیل دارد. پس صرف وجود خسارت و رابطه سببیت بین عمل و ورود خسارت کافی است و نیازی به اثبات تقصیر یا بی‌مبالاتی عامل زیان نیست و این ثمره‌ای است که از نهی قانونگذار در مسئولیت مدنی ظاهر می‌شود.

بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست.....۱۶۹

منابع:

- امامی، سید حسن (۱۳۶۶)، حقوق مدنی، تهران - انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ ششم، جلد ۱
- امامی، سید حسن (۱۳۵۱)، مسئولیت مدنی، تهران، دانشگاه ملی ایران
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ج ۱
- خاطری، برهان (۱۳۹۴)، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی کاربردی، انتشارات خورسندی، چاپ دوم
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۶۶)، سوء استفاده از حق، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول
- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: ادیب مجید، تهران، نشر میزان، چاپ دوم
- حسینی نیک، سیدعباس (۱۳۸۶)، مجموعه قوانین کاربردی مجدد: حقوقی، کیفری، چاپ سوم، شابک: ۹۶۴۷۸۲۰۷۲۰
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۳)، مفهوم اصل احتیاط و جایگاه آن در مسئولیت مدنی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۴۰)، پاییز و زمستان
- رمضان قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴، پاییز
- ساردویی نسب، محمد، کاظم پور، سید جعفر (۱۳۹۰)، مولفه های غیر منصفانه بودن قرارداد - مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵، پاییز
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدشقیه تحقیق، سید محمد کلانتر، و بیروت، دارالعالم الاسلامی بی تا، ج ۷
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، دارا شدن ناعادلانه و بلا جهت در نظام حقوق ایران و مقایسه آن با اکل مال به باطل، فصلنامه کاوشی نو در فقه، چاپ بیست و سوم، شماره اول، بهار و تابستان

۱۷۰ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

- علیمزادی امان‌الله، ال‌طه‌مکی سید جلال‌الدین (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی قاضی و مبنای قرآنی و روایی آن، فصلنامه مطالعات قرآنی سال، پنجم، شماره ۱۷۰، بهار
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، موجبات ضمان، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- فیروزی، مهدی (۱۳۸۵)، حق بر محیط زیست، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- منصوری، جهانگیر (۱۳۹۴)، قانون مجازات اسلامی، کلیات حدود، قصات، دیات، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعزیرات وتهای بازدارنده، تهران، چاپ صدری
- (۱۳۸۶) قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، انتشارات مجد، آذر
- کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری (۱۳۶۹)، مسئولیت قراردادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، اکانی، الطبعة الرابعة، تهران، دارالکتب السلامیه، جلد ۷
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸)، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول
- منتظری، حسینعلی، استفتائات مسائل ضمان، مساله ۳۸۱